

بررسی عوامل تأثیرگذار بر تغییرات کارکردی سکونتگاه‌های روستایی

حوزه نفوذ کلان شهرها (مطالعه موردی: روستاهای بیرق، هروی، حاج عبدال و دیزج

لیلی خانی واقع در دره ليقوان استان آذربایجان شرقی)

محمد ظاهری*، بهاره رحیمی پور**

۱۳۹۱/۰۲/۱۱

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۹۲/۱۰/۰۱

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده

تأثیرات متقابل فضایی و روابط عملکردی بین شهرها با نواحی پیرامونی و از آن جمله نواحی روستایی واقع در حوزه نفوذ آنها، به مرور منجر به تغییرات مختلف در عرصه‌های گوناگون آنها می‌گردد. تغییرات ساختار جمعیتی (مهاجرت روستا-شهری، تخلیه جمعیتی روستاها و ...) و تغییرات ساختار کارکردی و اقتصادی (متزلزل شدن اساس و بنیاد تولید کشاورزی و گسترش فعالیتهای حاشیه‌ای و غیر تولیدی و ...) از جمله آنهاست. در این میان از جمله تغییرات مهمی که عمدتاً متأثر از شهرها بوده و در دهه‌های اخیر در برخی از نواحی روستایی ایران مشاهده می‌شود، همانا تغییرات کارکردی در آنهاست. نواحی روستایی حوزه نفوذ کلانشهر تبریز و از آن جمله روستاهای واقع در دره ليقوان نیز از این قاعده مستثنی نبوده و به دلیل شرایط خاص اکولوژیکی عرصه‌ای تکمیلی برای کلانشهر تبریز محسوب می‌شوند. به همین دلیل اینگونه روستاها ضمن تأثیرپذیری از کلانشهر تبریز، تغییرات عمده‌ای را در ساختار کارکردی خود شاهد هستند. به احتمال زیاد وجود مشکلات و معضلات عدیده موجود در کلانشهر تبریز (اعم از گرانی زمین و مسکن، آلودگی بیش از حد هوا و سایر عوامل) به‌عنوان عوامل دافعه و در مقابل، ارزانی زمین و مسکن، پاکیزگی هوا، جاذبه‌های گردشگری و ... در مناطق روستایی به‌عنوان عوامل جاذبه عمل کرده و برخی از شهرنشینان را به سکونت در روستاهای پیرامونی سوق می‌دهند. در این مقاله برای تبیین چگونگی تغییرات کارکردی صورت گرفته و عوامل تأثیرگذار بر آن، چهار روستا از روستاهای حوزه نفوذ کلانشهر تبریز به عنوان نمونه انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. هدف اصلی از تدوین مقاله حاضر، به‌دست آوردن شناخت دقیق و علمی در خصوص عوامل تأثیرگذار بر تغییرات کارکردی روستاهای مورد مطالعه می‌باشد. مقاله حاضر علاوه بر اینکه داده‌های مهمی را در خصوص چگونگی این تغییرات به دست می‌دهد، بلکه کمک می‌کند تا برنامه‌ریزان با استناد به این داده‌ها بتوانند در جهت ساماندهی و برنامه ریزی کارکردی اینگونه روستاها گام بردارند. روش مطالعه مبتنی بر مطالعه میدانی (مشاهده مستقیم، تکمیل پرسشنامه‌های مختلف) می‌باشد. جهت بررسی و بیان روابط موجود بین متغیرهای تحقیق " روش توصیفی - تحلیلی" و برای بررسی آثار پیشین و تغییرات و تحولات صورت گرفته از روش "اسنادی" استفاده می‌شود همچنین جهت تحلیل داده‌ها، از نرم افزار spss و از روش‌های آماری $k.square$ و $f.statistics$ بهره گرفته می‌شود. در نهایت، راهکارها و پیشنهادهایی جهت ساماندهی کارکردی روستاهای مورد مطالعه و به طور کلی روستاهایی که با اینگونه مسائل مواجه هستند، ارائه می‌شود. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که رابطه منطقی بین مهاجرپذیری روستاهای مورد مطالعه، نوع فعالیت اقتصادی و محل اشتغال سرپرستان خانوارها با تغییرات کارکردی روستاهای مورد مطالعه وجود دارد. نزدیکی روستاهای مورد مطالعه به بزرگترین قطب جمعیتی، صنعتی و خدماتی شمال غرب کشور (شهر تبریز) و نیز شهر باسمنج و ارتباط سریع و آسان روستاها به این شهرها، مهاجرت افراد به روستاهای مورد مطالعه به دلیل ارزانی زمین و مسکن، انجام کار و فعالیت، تغییر در نوع فعالیت اقتصادی و محل اشتغال سرپرستان خانوارهای مورد مطالعه باعث تغییر کارکرد روستاها از کشاورزی به خدماتی، صنعتی و سکونت-خوابگاهی شده است.

واژگان کلیدی: تغییرات کارکردی، سکونتگاه‌های روستایی، حوزه نفوذ، دره ليقوان، آذربایجان شرقی.

* دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تبریز. M_Zaheri@tabrizu.ac.ir

** کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تبریز.

- مقاله حاضر در چهارچوب طرح تحقیقاتی «تحلیلی بر تغییرات کارکردی در نواحی روستایی» می‌باشد که با اعتبار معاونت پژوهشی دانشگاه تبریز نگاهشته شده است.

مقدمه

با رونق شهرنشینی و تمرکز جمعیت و فعالیت در شهرها بالاخص کلان شهرها، انبوهی از مشکلات (اعم از بحران مسکن، بحران زیست محیطی و....) گریبان گیر این گونه شهرها شده است و برخی از ساکنان برای رهایی از این بحرانها، عرصه های تکمیلی اعم از حومه ها و نواحی روستایی پیرامون شهرها را برای اسکان خود انتخاب می کنند. چنین روستاهایی تغییرات عمده ای را در زمینه های مختلف از جمله تغییر ساختارهای جمعیتی، کارکردی و اقتصادی (متزلزل شدن اساس و بنیاد تولید کشاورزی و گسترش فعالیتهای حاشیه ای و غیر تولیدی و....) و نیز تغییرات مورفولوژیکی از طریق رشد و گسترش کالبدی تجربه می کنند.

در این میان تغییرات کارکردی روستاهای حوزه نفوذ از جمله تغییرات مهمی است که متأثر از شهرها بوده و در دهه های اخیر در برخی از نواحی روستایی ایران مشاهده می شود. نواحی روستایی حوزه نفوذ کلانشهر تبریز نیز از این قاعده مستثنی نیوده و تغییرات کارکردی قابل توجهی را تجربه می کنند. به احتمال زیاد وجود مشکلات و معضلات عدیده موجود در کلانشهر تبریز (اعم از گرانی زمین و مسکن، آلودگی بیش از حد هوا و سایر عوامل) به عنوان عوامل دافعه و ارزانی زمین و مسکن، پاکیزگی هوا، جاذبه های گردشگری و ... در مناطق روستایی به عنوان عوامل جاذبه عمل کرده و برخی از شهرنشینان را به سکونت در روستاهای پیرامونی سوق می دهند. ناگفته پیداست که در این تحرک و جابه جایی، گسترش شبکه های حمل و نقل و رشد فزاینده وسایل مکانیزه حمل و نقل نقش اساسی ایفا می کند. به دست آوردن شناخت دقیق و علمی در خصوص عوامل تأثیرگذار بر تغییرات کارکردی روستاهای مورد مطالعه، که هدف اصلی از پژوهش

حاضر به شمار می رود نه تنها نتایج حاصله، داده های مهمی را در خصوص چگونگی این تغییرات به دست می دهد، بلکه برنامه ریزان با استناد به این داده ها می توانند در جهت ساماندهی و برنامه ریزی کارکردی اینگونه روستاها گام بردارند. بدین منظور این مقاله با طرح سؤالات زیر به دنبال بررسی تأثیرگذاری مهاجرپذیری روستاهای مورد مطالعه، وضعیت اسکان و محل اشتغال خانوارها بر روی تغییر کارکردی روستاهای مورد مطالعه می باشد.

پرسش های تحقیق

- آیا مهاجرپذیری نقش عمده ای در تغییرات کارکردی روستاها ایفا می کند؟
- آیا نوع فعالیت اقتصادی و محل اشتغال سرپرستان خانوارها در تغییر کارکردی روستاهای مورد مطالعه تأثیرگذار بوده است؟

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع کاربردی و توسعه ای، روش بررسی آن توصیفی - تحلیلی و شالوده مطالعه مبتنی بر عملیات میدانی (مشاهده مستقیم، تکمیل پرسشنامه های مختلف) است. جامعه آماری آن را چهار روستای بیرق، هروی، حاج عبدال و دیزج لیلی خانی واقع در دره ليقوان شهرستان تبریز و نیز حوزه نفوذ کلان شهر تبریز تشکیل می دهد که براساس نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵ تعداد خانوارهای ساکن روستاهای مورد مطالعه برابر ۲۵۳۶ خانوار بوده است و از آنجا که مراجعه به تمامی خانوارها با توجه به محدودیت (عمدتاً مالی) مقدور نبوده، لذا نمونه آماری خانوارهای روستا براساس فرمول کوکران به شرح ذیل برآورد شده است:

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

$$n = \frac{\frac{3.84(0.25)}{0.0025}}{1 + \frac{1}{2536} \left(\frac{(1.96)^2 (0.5)(0.5)}{(0.05)^2} - 1 \right)} = \frac{384}{1.15} = 334$$

n- حجم نمونه مورد نیاز

N- تعداد کل جامعه آماری = 2536

T²- درصد احتمال صحت گفتار (وقتی که سطح

معنی داری آزمون برابر با 0.05 باشد مساوی 1.96 می‌باشد).

P- احتمال وجود صفت در جامعه آماری = 0.5

q- احتمال عدم وجود صفت = 0.5

d²- مقدار خطای نمونه گیری = 0.05 = 0.0025

شایان ذکر است هر چند تعداد خانوارهای

نمونه براساس فرمول کوکران 334 خانوار برآورد شده است اما تعداد خانوارهای مورد مطالعه بیشتر و به تعداد 503 خانوار انتخاب شده است. انتخاب و مطالعه خانوارهای مزبور با استفاده از شیوه نمونه‌گیری سیستماتیک بوده است (جدول شماره 1).

نام روستا	تعداد خانوارهای نمونه روستا	درصد
بیرق	140	27.8
حاج عبدال	63	12.5
دیزج لیلی خانی	175	34.8
هروی	125	24.9
جمع	503	100

ج 1. توزیع درصد خانوارهای مورد مطالعه به تفکیک

روستاهای مورد مطالعه. مأخذ: مطالعات میدانی

پس از انجام مطالعات میدانی، جمع آوری داده‌ها و پردازش آنها، برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روشهای آماری توصیفی شامل توزیع فراوانی و جداول و در بخش استنباطی با توجه به سطوح اندازه‌گیری متغیرها از آزمون آماری کای اسکوار (F-Square و F-Statistics) و... و از نرم افزار آماری SPSS استفاده شده است.

همچنین در پژوهش حاضر شاخص‌های سنجش تغییرات کارکردی روستاهای مورد مطالعه را شاخص‌هایی چون تحرکات جمعیتی اعم از سال مهاجرت، علل مهاجرت، تعداد مهاجرین، وضعیت فعالیت اقتصادی، نوع فعالیت اقتصادی و محل اشتغال سرپرستان خانوارهای مورد مطالعه تشکیل می‌دهد.

چهارچوب نظری تحقیق

عوامل بنیادی تأثیرگذار بر تغییرات کارکردی سکونتگاههای روستایی حوزه نفوذ شهرها عبارتند از:

شهرگرایی روستا

شهرگرایی حومه‌ها و نواحی روستایی فرایندی اجتماعی است که شامل گسترش ایده‌ها و شیوه‌های زندگی شهری در نواحی روستایی می‌باشد و مشخص‌ترین حالت آن، حرکت جمعیت از شهرها به نواحی روستایی است (Glass, 1963:487). این پدیده که ناشی از گسترش روابط شهر و روستاست، می‌تواند از طریق شکل‌گیری و گسترش کارکردهای تفریحی و سکونتی در نواحی روستایی به وجود آید. در این حالت باوجود مرز فیزیکی مشخص در کاربری اراضی شهری و روستایی، شهرگرایی باعث می‌شود که حتی در کشورهای دارای قوانین برنامه‌ریزی محکم، تمایز شهر و روستا از لحاظ عملکرد و نیز اجتماعی کم‌رنگ شود (Pacion, 1985: 183-185). افزایش وابستگی‌های شهر و روستا از جمله عواملی است که می‌تواند طبیعت روستا را با دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی روبه‌رو کند و

به تدریج تغییرات عدیده‌ای را بر روستا تحمیل نماید (Hall & Page, 2002: 220).

ارتباط اقتصادی

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر تغییرات کارکردی سکونتگاه‌های روستایی همانا ارتباط اقتصادی آن‌ها با جوامع شهری است (شکویی، ۱۳۷۹: ۲۷۰). گفتنی است تفاوت‌های مکانی منابع اقتصادی موجب اختلاف در چشم اندازهای شهری و روستایی شده و در این رابطه هریک از شهرها و روستاها بافت اقتصادی خاص منطقه‌ای خود را گرفته و نقش و عملکرد خود را نیز از همان شرایط باز یافته است (رضوانی، ۱۳۸۲: ۱۴۳). در این میان، هر چند مراکز شهری از نظر اقتصادی به حوزه نفوذ خود وابسته است، اما در روابط شهر و روستا، فعالیت‌های مبادله‌ای و از آن جمله مبادلات تجاری و اشتغال مهاجران اساس کار به‌شمار می‌رود، در این میان، وجود بازارهای مناسب برای تولیدات و کالاهای کشاورزی، به جهت وجود تنوع تولید، وجود فرصت‌های شغلی فراوان در شهرها از جمله مواردی هستند که بر روابط شهر و روستا تأثیر گذارند (شکویی، ۱۳۷۹: ۲۹۶). گفتنی است در مناطق روستایی کشورهای در حال توسعه جریان عمده‌ای که مشهود است همانا انتقال نیروی کار از بخش کشاورزی به بخش‌های غیرکشاورزی است، این جریان به دو شکل صورت می‌گیرد:

الف) شکل اول همراه است با انتقال نیروی کار از مناطق روستایی به مناطق شهری که موجب بروز مشکلات عدیده هم در مناطق روستایی و هم در مناطق شهری شده است (تودارو، ۱۳۷۸).

ب) شکل دوم، انتقال نیروی کار از بخش کشاورزی به بخش‌های غیرکشاورزی در خود روستا و مناطق

روستایی صورت می‌گیرد که موجب متنوع شدن اشتغال و فعالیت‌های روستایی می‌گردد (صدرموسوی، ۱۳۸۲: ۱۰۹).

ارتباط فیزیکی

تحولات و دگرگونی‌هایی که به ویژه در سالهای اخیر در زمینه استفاده از وسیله نقلیه به صور گوناگون و به‌عنوان یک پدیده کاملاً جدید به وقوع پیوسته است، عامل دیگری برای ایجاد ارتباط شهر و روستا بوده و ضمن تحکیم روابط اقتصادی، خواه ناخواه در تغییرات کارکردی بین آن‌ها نیز تأثیرگذار بوده است.

در حال حاضر گسترش راهها و وسایل ارتباطی به ارتباط تنگاتنگ شهر و روستا و به تأثیر متقابل این دو واحد جغرافیایی در هم انجامیده و سیمای نوینی از ساختار سکونتگاه انسانی به نام روستا شهرها (RURBAINES) شکل گرفته است. در این فضاها ویژگی‌ها و فعالیت‌های شهری و روستایی در هم آمیخته است. در کشورهای جهان سوم روستاهایی که در میدان عمل و رشد شتاب آلود شهرها قرار می‌گیرند، در زمانی کوتاه بر اثر چنگ اندازی شهریان نه تنها با تغییر سیما و نقش خود به بخشی از نیازهای جامعه شهری پاسخ می‌دهند، بلکه خود به شکل شهری تمام عیار درمی‌آیند (فرید، ۱۳۷۹: ۳۷۷-۳۷۶) و براین اساس است که امروزه شهرنشینان و شهرسازان مطالعات خود را منحصراً روی فضای ساخته شهرها انجام نمی‌دهند، بلکه بررسی خود را به سوی روستاهایی که زیر آوارهای شهر به سادگی خرد و بلعیده می‌شوند، گسترش می‌دهند (Bonnamour, 1973).

تحرك جمعیتی

حرکت‌های مکانی با پیشرفت‌های تکنولوژی و توسعه اقتصادی جوامع نسبت به گذشته افزایش یافته

از جمله این مطالعات، «توسعه تهران، دگرگونی در ساختارهای نواحی روستایی اطراف» (رهنمایی، ۱۳۶۹، صص ۵۳-۲۴) و «گسترش فضایی شهر تهران و پیدایش شهرک‌های اقماری» (نظریان، ۱۳۷۰، صص ۱۳۹-۹۷) می‌باشد که بر تأثیر بی چون و چرای گسترش فضای فیزیکی و نیروی انسانی شهر تهران در روستاهای حوزه نفوذ تأکید دارند و گسترش انفجارگونه و لجام گسیخته شهر تهران را سبب نابودی روستاهای اطراف و از بین رفتن فضای زیستی و گذراندن اوقات فراغت جمعیت پایتخت نشین قلمداد می‌کنند. «دگرگونی روستاهای حاشیه شهرهای جدید صنعتی» (سلیمانی، ۱۳۸۱، صص ۱۵۰-۱۲۷) برای موضوع اشاره دارد که تجمع واحدهای صنعتی در نزدیکی یا در حوزه نفوذ شهرها، دگرگونی‌های اقتصادی-اجتماعی و تغییرات کالبدی-فضایی و زیست محیطی در مقیاس محلی و منطقه‌ای به دنبال داشته است که این تغییرات از یک سو تابع ویژگی‌های محیطی و توان طبیعی و مقتضیات تاریخی و اقتصادی-اجتماعی و نظام سیاسی حاکم بر کشور و منطقه است و از سوی دیگر به اهداف، اندازه، کارکرد و به‌ویژه الگوی مکانیابی مجتمع‌ها و شهرهای جدید در فضای باز برمی‌گردد. «تجارت فرامرزی، سیطره شهری و تغییر کارکرد روستایی نمونه موردی: ناحیه روستایی زاهدان» (افراخته، ۱۳۸۴) عنوان مطالعه دیگری است که نشان می‌دهد در اثر توسعه فرامرزی و سیطره روزافزون مراکز شهری (شهر زاهدان)، کارکرد سنتی ناحیه روستایی زاهدان تغییر کرده است. کشاورزی از تولید نیازهای مصرفی مردم فاصله گرفته است. سکونتگاههای روستایی نقش خوابگاهی دارند و درآمد بدست آمده از فعالیتهای تجاری رکن اساسی اقتصاد روستایی را تشکیل می‌دهد اما به دلیل نبود سازماندهی فعالیتهای تجاری، روستائیان در واقع حق العمل کار تجار

است. وسایل مکانیزه حمل و نقل در جابه‌جایی انسانها نقش چشمگیری داشته و به‌خصوص اینکه سرعت و آسایش در وسایل نقلیه به جابه‌جایی انسان شتاب بیشتری داده و تحرک فزاینده‌ای برای انسان فراهم آورده است (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۱: ۱۷۳). تحرک جمعیتی از جمله عوامل مؤثر در ایجاد روابط متقابل شهر و روستاست، زیرا در یک ناحیه جغرافیایی، تحرک‌های جمعیتی، چه از طریق مهاجرت‌های دائمی و چه از طریق آمد و شدهای روزانه بین محل مسکونی و محل کار، باعث تشکیل ارتباط فضایی بین شهر و حوزه‌های روستایی می‌شود. در صورت دسترسی به اشتغال دائم و مزد بیشتر در شهر، امکانات تحصیل و دسترسی به خدمات عمومی، مهاجرت‌های دائمی صورت می‌گیرد (شکویی، ۱۳۷۹: ۲۷۲). هر چند شکل مسلط مهاجرت‌های داخلی، عمدتاً مهاجرت روستا-شهری است، لذا در سالهای اخیر نتایج سرشماریهای برخی از کشورها، به ظهور روند جدید مهاجرت داخلی که عمدتاً تحت عنوان برگشت جمعیت یا جریان ضد شهرنشینی (Counter-Urbanisation) نامیده می‌شود، اشاره داشته‌اند (Berry, 1976: 18). به‌عنوان مثال در ایالات متحده آمریکا که از بالاترین درصد شهرنشینی و تحرک جمعیتی (شهر به شهر یا از شهر به روستا) برخوردار می‌باشد، خانوارها هر پنج سال یکبار تغییر مکان می‌دهند (طی سالهای ۲۰۰۰-۱۹۹۹ ۴۳/۴ میلیون نفر جابه‌جا شده‌اند (Tumertekin, 2004: 259).

پیشینه تحقیق

در ارتباط با موضوع پژوهش حاضر به جز مطالعات محدود به عمل آمده که در ذیل به برخی از آنها اشاره خواهد شد، مطالعات و تحقیقات دقیق علمی و در عین حال گسترده‌ای صورت نگرفته است.

شهری‌اند. تجار شهری از فرصت استفاده کرده سهمیه‌ای را که دولت جهت تأمین معیشت روستائیان اختصاص داده‌اند، تصاحب کرده و نوعی تجارت متکی بر یارانه سامان می‌دهند. آن‌ها کالاهای مصرفی و کشاورزی وارد می‌کنند که این امر موجب تضعیف بنیان اقتصادی منطقه شده و نقشی منفی در توسعه ناحیه ایفاء می‌کند. مقاله دیگر در این رابطه «شهرگریزی و تغییرات کارکردی در نواحی روستایی شمال تهران» (رضوانی، ۱۳۸۶، صص ۲۴-۱۲) است که ضمن تأکید بر تحول روابط شهر و روستا و بروز پدیده شهرگریزی موقت و دائمی به تأثیرگذاری این امر بر تغییرات عملکردی گسترده در ناحیه رودبار قطران اشاره دارد. نتیجه حاصل اینکه شکل‌گیری کارکردهای جدید گردشگری، سکونت و صنعتی و جایگزینی آن‌ها به جای کارکردهای سنتی ناحیه یعنی کشاورزی و دامداری از جمله این تغییرات بوده است و از آنجا که این تغییرات براساس طرح و برنامه و مدیریت مؤثر نبوده است لذا آثار و پیامدهای نامطلوبی در ناحیه به جای گذاشته است.

یافته‌های توصیفی تحقیق

الف: وضعیت مهاجرت خانوارهای مورد مطالعه

(درون کوچان)

سال مهاجرت (درون کوچان)

بررسی مقطع زمانی درون کوچی خانوارها نشان می‌دهد که مهاجرت ۸/۳ درصد کل خانوارهای درون کوچ، مربوط به سالهای قبل از ۱۳۵۵ و ۳/۴ درصد مربوط به بین سالهای ۶۵-۵۶ بوده است. این میزان برای سالهای ۶۶-۷۵ برابر ۱۷/۹ درصد را نشان می‌دهد. از سال ۱۳۷۵ به بعد درون کوچی به روستاهای مورد مطالعه از روند رو به فزونی برخوردار شده است. به طوری که میزان درون کوچی طی سالهای ۸۵-۷۶ و ۸۵

به بعد به ترتیب به ۴۲/۸ و ۲۷/۶ درصد می‌رسد. به عبارت دیگر ۷۰/۵ درصد درون کوچان بعد از سال ۷۵ به روستاها مهاجرت کرده‌اند (جدول شماره ۲).

نتایج مطالعات نشان می‌دهد که در روستای بیرق ۲۳/۶ درصد درون کوچان قبل از سال ۱۳۶۵ به روستا مهاجرت کرده‌اند. مهاجرت ۱۱/۸ درصد آن‌ها بین سالهای ۶۶-۷۵ و ۴۱/۱ درصد طی سالهای ۸۵-۷۶ و ۲۳/۵ درصد نیز در سه سال اخیر (۱۳۸۸-۱۳۸۶) اتفاق افتاده است.

در روستای حاج عبدال ۹/۱ درصد درون کوچان بین سالهای ۶۵-۵۶ و ۱۸/۲ درصد نیز طی سالهای ۶۶-۷۵ به روستا مهاجرت کرده‌اند. اغلب مهاجران بعد از سال ۱۳۷۵ به این روستا مهاجرت کرده‌اند به طوری که این تعداد به ترتیب در سالهای ۸۵-۷۶ و بعد از سال ۱۳۸۰، ۵۹/۱ و ۱۳/۶ درصد را نشان می‌دهد.

در روستای دیزج لیلی خانی نیز همانند دیگر روستاها در سالهای قبل از ۱۳۷۵، میزان درون کوچی اندک بوده است. به طوری که ۲۱/۲ درصد مهاجرین قبل از این سال به روستا مهاجرت کرده‌اند، حال آنکه بعد از این سال بر تعداد درون کوچان افزوده شده و حتی بین سالهای ۸۵-۷۶ این میزان به ۵۱/۹ درصد می‌رسد. ۲۶/۹ درصد درون کوچان مورد مطالعه در سه سال اخیر به روستا مهاجرت کرده‌اند.

در روستای هروی در سالهای قبل از ۱۳۶۵ تنها ۱۵/۴ درصد مهاجران به روستا نقل مکان کرده‌اند. از این سال به بعد بتدریج بر تعداد درون کوچان افزوده شده است به طوری که ۳۰/۷ درصد درون کوچان بین سالهای ۶۶-۷۵، ۱۵/۴ درصد طی سالهای ۸۵-۷۶ و ۳۸/۵ درصد بقیه نیز بعد از سال ۱۳۸۵ به این روستا مهاجرت کرده‌اند (جدول شماره ۲).

درصد	جمع کل	هروی		دیزج لیلی خانی		حاج عبدال		بیرق		روستاها سال مهاجرت
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۸.۳	۱۲	۱۵.۴	۵	۵.۸	۳	-	-	۱۷.۶	۴	قبل از ۱۳۵۵
۳.۴	۵	-	-	۱.۹	۱	۹.۱	۲	۶.۰	۲	۵۶-۶۵
۱۷.۹	۲۶	۳۰.۷	۱۰	۱۳.۵	۸	۱۸.۲	۵	۱۱.۸	۳	۶۶-۷۵
۴۲.۸	۶۲	۱۵.۴	۵	۵۱.۹	۳۲	۵۹.۱	۱۵	۴۱.۱	۱۰	۷۶-۸۵
۲۷.۶	۴۰	۳۸.۵	۱۴	۲۶.۹	۱۷	۱۳.۶	۳	۲۳.۵	۶	بعد از ۱۳۸۵
۱۰۰	۱۴۵	۱۰۰	۳۴	۱۰۰	۶۱	۱۰۰	۲۵	۱۰۰	۲۵	جمع

ج ۲. توزیع درصد سرپرستان خانوارها براساس سال مهاجرت به تفکیک روستاهای مورد مطالعه.

مأخذ: مطالعات میدانی

علل مهاجرت (درون کوچان)

درصد و عامل ازدواج با ۱۱/۸ درصد در اولویت‌های بعدی قرار گرفته‌اند. عامل اصلی درون کوچی خانوارهای مورد مطالعه در روستای حاج عبدال همانند روستای بیرق عامل تأمین زمین و مسکن ارزان قیمت در روستا بوده است (۷۲/۷ درصد). انجام کار و فعالیت در روستا (۱۸/۳ درصد) و عواملی چون وابستگی خانوادگی و ازدواج هر کدام با ۴/۵ درصد در اولویت بعدی قرار گرفته‌اند. در روستای دیزج لیلی خانی، تأمین زمین و مسکن ارزان قیمت، انگیزه درون کوچی ۷۵/۰ درصد خانوارها بیان شده است. انجام کار و فعالیت در روستا با ۱۱/۵ درصد و عامل ازدواج با ۷/۷ درصد و وابستگی خانوادگی ۵/۸ درصد انگیزه‌های درون کوچی مطرح شده‌اند. در روستای هروی دو عامل تأمین زمین و مسکن ارزان و انجام کار و فعالیت در روستا هر کدام با ۳۸/۵ درصد بیشترین عوامل درون کوچی بیان شده‌اند. ازدواج به‌عنوان سومین عامل ذکر شده است (۱۵/۳ درصد). عامل وابستگی خانوادگی با ۷/۷ درصد کمترین میزان در خصوص انگیزه درون کوچی بیان شده است. (جدول ۳)

نتایج بررسیها نشان می‌دهد که علت مهاجرت حدود ۶۰/۰ درصد از درون کوچان به روستاهای مورد مطالعه، تأمین زمین و مسکن ارزان بوده است. انجام کار و فعالیت در روستا به‌عنوان دومین عامل از طرف درون کوچان مطرح شده است. این عامل علت درون کوچی ۲۱/۴ درصد مهاجرین را به خود اختصاص می‌دهد. ازدواج و وابستگی خانوادگی هر کدام با ۹/۶ درصد به‌عنوان عوامل تأثیرگذار بر درون کوچی خانوارهای مورد مطالعه بوده است (جدول شماره ۳).

تدقیق در ارقام این واقعیت را نشان می‌دهد که ۵۹/۴ درصد درون کوچانی که علت مهاجرت خود را تأمین زمین و مسکن ارزان در روستا بیان نموده‌اند بی هیچ شبهه‌ای نزدیکی به محل کار و فعالیت در این امر تأثیرگذار بوده است. در روستای بیرق عامل اصلی درون کوچی خانوارهای مورد مطالعه با ۳۵/۳ درصد تأمین زمین و مسکن ارزان قیمت بوده است. وابستگی خانوادگی با ۲۹/۴ درصد، انجام کار و فعالیت در روستا با ۲۳/۵

تعداد مهاجرین (درون کوچان)

از کل خانوارهای نمونه مورد مطالعه (۵۰۳ خانوار)، ۱۴۵ خانوار (۲۸/۸ درصد) جزو خانوارهای درون کوچ به‌شمار می‌روند. این تعداد خانوار به‌تدریج به روستاهای مورد مطالعه مهاجرت کرده و در آن اسکان یافته‌اند. از کل خانوارهای مورد مطالعه ۱۷/۸ درصد در

روستای بیرق، ۳۹/۷ درصد در روستای حاج عبدال، ۳۴/۹ درصد در روستای دیزج لیلی خانی و ۲۷/۲ درصد نیز در روستای هروی جزو درون کوچان می‌باشند. نکته قابل ذکر دیگر اینکه نوع و وضعیت مهاجرت ۱۰۰ درصد درون کوچان به صورت درون کوچی جمعی و نیز دایم می‌باشد. (جدول شماره ۴)

درصد	جمع کل	هروی		دیزج لیلی خانی		حاج عبدال		بیرق		روستاها
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	علت مهاجرت
۵۹.۴	۸۶	۳۸.۵	۱۳	۷۵.۰	۴۶	۷۲.۷	۱۸	۳۵.۳	۹	تأمین زمین و مسکن ارزان
۲۱.۴	۳۱	۳۸.۵	۱۳	۱۱.۵	۷	۱۸.۳	۵	۲۳.۵	۶	انجام کار و فعالیت در روستا
۹.۶	۱۴	۱۵.۳	۵	۷.۷	۵	۴.۵	۱	۱۱.۸	۳	ازدواج
۹.۶	۱۴	۷.۷	۳	۵.۸	۳	۴.۵	۱	۲۹.۴	۷	وابستگی‌های خانوادگی
۱۰۰	۱۴۵	۱۰۰	۳۴	۱۰۰	۶۱	۱۰۰	۲۵	۱۰۰	۲۵	جمع

ج ۳. توزیع درصد انگیزه درون کوچی خانوارهای مورد مطالعه به تفکیک روستاها.

مأخذ: مطالعات میدانی

درصد	جمع کل	هروی		دیزج لیلی خانی		حاج عبدال		بیرق		روستاها
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	وضعیت اسکان
۷۱.۲	۳۵۸	۷۲.۸	۹۱	۶۵.۱	۱۱۴	۶۰.۳	۳۸	۸۲.۲	۱۱۵	بومی
۲۸.۸	۱۴۵	۲۷.۲	۳۴	۳۴.۹	۶۱	۳۹.۷	۲۵	۱۷.۸	۲۵	درون کوچ
۱۰۰	۵۰۳	۱۰۰	۱۲۵	۱۰۰	۱۷۵	۱۰۰	۶۳	۱۰۰	۱۴۰	جمع

ج ۴. توزیع درصد سرپرستان خانوارها براساس وضعیت اسکان به تفکیک روستاهای مورد مطالعه.

مأخذ: مطالعات میدانی

ب: ویژگی های اقتصادی سرپرستان خانوارهای مورد مطالعه

وضع فعالیت اقتصادی سرپرستان خانوار

نتایج بررسی نشان می دهد که از کل سرپرستان خانوارهای مورد مطالعه ۴۳۱ نفر (۸۵/۷ درصد) شاغل و ۷۲ نفر (۱۴/۳) درصد بقیه بیکار بوده اند. این سهم در روستای بیرق، به ترتیب ۸۷/۱ و ۱۲/۹ درصد، در روستای حاج عبدال ۷۹/۴ و ۲۰/۶ درصد، در روستای دیزج لیلی خانی ۸۶/۹ و ۱۳/۱ درصد و در روستای هروی ۸۳/۲ و ۱۶/۸ درصد می باشد. (جدول شماره ۵)

نوع فعالیت اقتصادی سرپرستان خانوارها شغل فعلی

در روستاهای مورد مطالعه تعداد شاغلین در بخش خدمات در مقایسه با دیگر فعالیت های اقتصادی سهم قابل توجهی را به خود اختصاص می دهند به طوری که شغل ۴۹/۴ درصد کل شاغلین را شامل می شود (ج ۶ و ج ۷). کارگری (۲۳/۲ درصد)، رانندگی (۱۲/۳ درصد)، مغازه داری (۶/۵ درصد)، کار دولتی (۴/۹ درصد) و واسطه گری (۲/۵ درصد) به ترتیب اهمیت از جمله

مهم ترین این فعالیت ها بوده است (ج شماره ۸). بعد از بخش خدمات، بخش صنعت بیشترین شاغلین را به خود جذب کرده به طوری که از کل شاغلین ۲۳/۵ درصد در این بخش مشغول به کار هستند. گفتنی است از این میزان به ترتیب ۲۰/۹ درصد به قالیبافی و ۱۱/۶ درصد به صنعت اختصاص دارد. بخش کشاورزی در مقایسه با دیگر فعالیت های اقتصادی کمترین شاغلین را در بر می گیرد به گونه ای که تنها ۱۸/۱ درصد کل شاغلین در این بخش مشغول به کار می باشند. سهم عمده ای از این نسبت (۱۱/۶ درصد) مربوط به امر زراعت بوده و بخش دامداری و باغداری به ترتیب ۵/۱ و ۱/۴ درصد شاغلین را شامل می شود.

تدقیق در جدول ۶ و نمودار ۱ این واقعیت را نشان می دهد که به استثنای روستای بیرق در روستاهای مورد مطالعه، بخش خدمات در مقایسه با دیگر فعالیت های اقتصادی بیشترین سهم از شاغلین را به خود اختصاص داده است. به گونه ای که این سهم در روستاهای هروی، دیزج لیلی خانی و حاج عبدال به ترتیب ۵۷/۷، ۵۷/۸ و ۵۵/۶ درصد می باشد. کمترین میزان در روستای بیرق (۲۹/۳ درصد) مشاهده می شود.

درصد	جمع کل	هروی		دیزج لیلی خانی		حاج عبدال		بیرق		روستاها وضعیت فعالیت شاغل بیکار (غیرفعال- اقتصادی) جمع
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۸۵.۷	۴۳۱	۸۳.۲	۱۰۴	۸۶.۹	۱۵۲	۷۹.۴	۵۰	۸۹.۳	۱۲۵	شاغل
۱۴.۳	۷۲	۱۶.۸	۲۱	۱۳.۱	۲۳	۲۰.۶	۱۳	۱۰.۷	۱۵	بیکار (غیرفعال- اقتصادی)
۱۰۰	۵۰۳	۱۰۰	۱۲۵	۱۰۰	۱۷۵	۱۰۰	۶۳	۱۰۰	۱۴۰	جمع

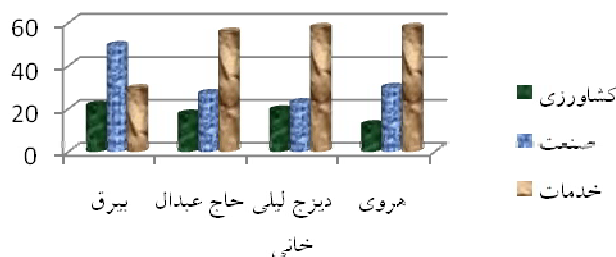
ج ۵. توزیع درصد سرپرستان خانوارها براساس وضع فعالیت در روستاهای مورد مطالعه.

مأخذ: مطالعات میدانی

درصد	جمع کل	هروی		دیزج لیلی خانی		حاج عبدال		بیرق		روستاها نوع فعالیت
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۸.۱	۷۸	۱۲.۵	۱۳	۱۹.۴	۲۹	۱۷.۴	۹	۲۱.۴	۲۷	کشاورزی
۳۲.۵	۱۴۰	۲۹.۸	۳۱	۲۲.۸	۳۵	۲۷	۱۳	۴۹.۳	۶۱	صنعت
۴۹.۴	۲۱۳	۵۷.۷	۶۰	۵۷.۸	۸۸	۵۵.۶	۲۸	۲۹.۳	۳۷	خدمات
۱۰۰	۴۳۱	۱۰۰	۱۰۴	۱۰۰	۱۵۲	۱۰۰	۵۰	۱۰۰	۱۲۵	جمع

ج ۶. توزیع درصد سرپرستان مورد مطالعه براساس شغل فعلی در بخش‌های مختلف فعالیت اقتصادی به تفکیک روستاها.

مأخذ: مطالعات میدانی



ن ۱. توزیع درصد سرپرستان خانوارهای درون کوچ در فعالیتهای مختلف اقتصادی براساس شغل فعلی به تفکیک روستاها.

درصد	جمع کل	هروی		دیزج لیلی خانی		حاج عبدال		بیرق		روستاها شغل اصلی
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۱.۶	۵۰	۸.۶	۹	۱۵.۸	۲۴	۶.۰	۳	۱۱.۲	۱۴	زراعت
۵.۱	۲۲	۳.۸	۴	۱.۹	۳	۴.۰	۲	۱۰.۴	۱۳	دامداری
۱.۴	۶	-	-	۱.۳	۲	۸.۰	۴	-	-	باغداری
۲۰.۹	۹۰	۱۴.۴	۱۵	۱۰.۵	۱۶	۱۲.۰	۶	۴۲.۴	۵۳	قالیبافی
۱۱.۶	۵۰	۱۵.۴	۱۶	۱۲.۵	۱۹	۱۴.۰	۷	۶.۴	۸	صناعت
۶.۵	۲۸	۱۲.۵	۱۳	۵.۹	۹	۴.۰	۲	۳.۲	۴	مغازه‌داری و تجارت
۲۳.۲	۱۰۰	۲۰.۳	۲۱	۲۳.۲	۳۵	۳۸.۰	۱۹	۲۰.۰	۲۵	کارگری
۴.۹	۲۱	۷.۷	۸	۵.۳	۸	۶.۰	۳	۱.۶	۲	دولتی
۱۲.۳	۵۳	۱۳.۵	۱۴	۲۱.۰	۳۲	۶.۰	۳	۳.۲	۴	رانندگی
۲.۵	۱۱	۳.۸	۴	۲.۶	۴	۲.۰	۱	۱.۶	۲	واسطه‌گری
۱۰۰	۴۳۱	۱۰۰	۱۰۴	۱۰۰	۱۵۲	۱۰۰	۵۰	۱۰۰	۱۲۵	جمع

ج ۷. توزیع درصد سرپرستان خانوارهای مورد مطالعه براساس شغل فعلی در فعالیتهای مختلف اقتصادی و به تفکیک مشاغل.

مأخذ: مطالعات میدانی

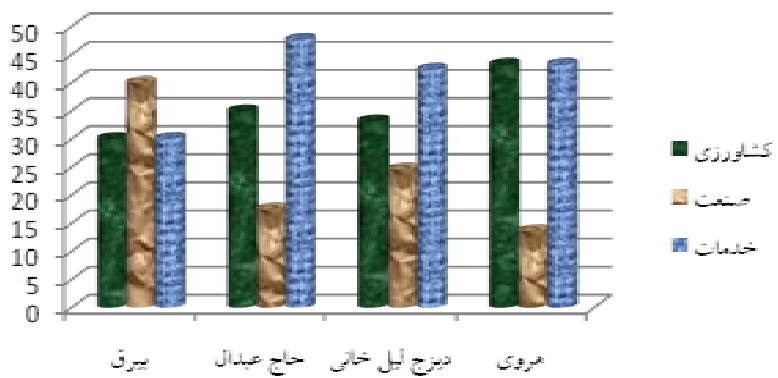
شغل قبلی

در روستاهای مورد مطالعه از کل سرپرستان خانوارها (۵۰۳ نفر)، شغل قبلی ۳۵ درصد در بخش کشاورزی، ۲۵/۲ درصد در بخش صنعت و ۳۹/۸ درصد در بخش خدمات بوده است. این میزان در روستای بیرق به ترتیب ۳۰/۰، ۴۰/۰ و ۳۰/۰، در روستای حاج عبدال ۳۴/۹، ۱۷/۵ و ۴۷/۶، در روستای دیزج لیلی خانی ۳۳/۱، ۲۴/۶ و ۴۲/۳ و در روستای هروی ۴۳/۲ و ۱۳/۶ درصد بوده است. (جدول ۸ و نمودار ۲)

در بخش صنعت نیز روستای بیرق با ۴۹/۳ درصد بیشترین سهم را به خود اختصاص می‌دهد. روستاهای هروی، حاج عبدال و دیزج لیلی خانی به ترتیب با ۲۹/۸، ۲۷/۰ و ۲۲/۸ درصد در مقایسه با روستای بیرق از شاغلین کمتری در این بخش برخوردار می‌باشند. هر چند بخش کشاورزی در کل منطقه کمترین میزان اشتغال را به خود اختصاص می‌دهد اما سهم شاغلین این بخش در روستای بیرق (۲۱/۴ درصد)، در مقایسه با درصد شاغلین روستاهای حاج عبدال (۱۷/۴ درصد)، دیزج لیلی خانی (۱۹/۴ درصد) و هروی (۱۲/۵ درصد) بیشتر است.

روستاها	بیرق		حاج عبدال		دیزج لیلی خانی		هروی		جمع کل	درصد
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
کشاورزی	۳۰.۰	۴۲	۳۴.۹	۲۲	۳۳.۱	۵۸	۴۳.۲	۵۴	۱۷۶	۳۵.۰
صنعت	۴۰.۰	۵۶	۱۷.۵	۱۱	۲۴.۶	۴۳	۱۳.۶	۱۷	۱۲۷	۲۵.۲
خدمات	۳۰.۰	۴۲	۴۷.۶	۳۰	۴۲.۳	۷۴	۴۳.۲	۵۴	۲۰۰	۳۹.۸
جمع	۱۰۰	۱۴۰	۱۰۰	۶۳	۱۰۰	۱۷۵	۱۰۰	۱۲۵	۵۰۳	۱۰۰

ج ۸. توزیع درصد سرپرستان خانوارها براساس شغل قبلی در بخش‌های مختلف فعالیت اقتصادی به تفکیک روستاها. مأخذ: مطالعات میدانی



ن ۲. توزیع درصد سرپرستان خانوارها براساس شغل قبلی در بخش‌های مختلف فعالیت اقتصادی به تفکیک روستاها.

درصد	جمع کل	هروی		دیزج لیلی خانی		حاج عبدال		بیرق		روستاها	شغل اصلی
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۲۳.۷	۱۱۹	۳۲.۸	۴۱	۲۶.۳	۴۶	۱۷.۵	۱۱	۱۵.۰	۲۱		زراعت
۷.۷	۳۹	۷.۲	۹	۴.۰	۷	۷.۹	۵	۱۲.۸	۱۸		دامداری
۳.۶	۱۸	۳.۲	۴	۲.۸	۵	۹.۵	۶	۲.۲	۳		باغداری
۱۸.۱	۹۱	۳.۲	۴	۱۷.۸	۳۱	۴.۸	۳	۳۷.۹	۵۳		قالیافی
۷.۱	۳۶	۱۰.۴	۱۳	۶.۸	۱۲	۱۲.۷	۸	۲.۱	۳		صناعت
۴.۴	۲۲	۸.۸	۱۱	۴.۰	۷	۱.۶	۱	۲.۱	۳		مغازه‌داری
۱۷.۹	۹۰	۱۵.۲	۱۹	۱۶.۱	۲۸	۲۷.۰	۱۷	۱۸.۷	۲۶		کارگری
۶.۴	۳۲	۸.۰	۱۰	۶.۳	۱۱	۱۲.۷	۸	۲.۱	۳		دولتی
۱۰.۳	۵۲	۱۱.۲	۱۴	۱۴.۸	۲۶	۴.۷	۳	۶.۴	۹		رانندگی
۰.۸	۴	-	-	۱.۱	۲	۱.۶	۱	۰.۷	۱		واسطه‌گری
۱۰۰	۵۰۳	۱۰۰	۱۲۵	۱۰۰	۱۷۵	۱۰۰	۶۳	۱۰۰	۱۴۰		جمع

ج ۹. توزیع درصد سرپرستان خانوارهای مورد مطالعه براساس شغل قبلی در فعالیتهای مختلف اقتصادی و به تفکیک مشاغل.

مأخذ: مطالعات میدانی

در تعداد شاغلین بخش صنعت نیز به استثنای روستای دیزج لیلی خانی که به میزان ۲/۲ درصد کاهش مشاهده می‌شود، در بقیه روستاها تعداد شاغلین افزایش یافته است. در تعداد شاغلین بخش خدمات به استثنای روستای بیرق که کاهش ۰/۷ درصدی در آن صورت گرفته در دیگر روستاها، افزایش قابل توجهی مشاهده می‌شود به گونه‌ای که در روستای حاج عبدال این سهم از ۴۷/۶ به ۵۵/۶ درصد، در روستای دیزج لیلی خانی از ۴۲/۳ به ۵۷/۸ درصد و در روستای هروی از ۴۳/۲ به ۵۷/۷ درصد افزایش پیدا کرده است. ارقام نشان دهنده این است که بیشترین تغییرات این بخش در روستای دیزج لیلی خانی اتفاق افتاده است.

جدول شماره ۱۰ نشان می‌دهد که در روستاهای مورد مطالعه سهم شاغلین در بخش کشاورزی از ۳۵/۰ به ۱۸/۱ درصد کاهش یافته و در بخش صنعت از ۲۵/۲ به ۳۲/۵ درصد و در بخش خدمات از ۳۹/۸ به ۴۹/۴ درصد افزایش پیدا کرده است. این تغییرات به تفکیک روستاهای مورد مطالعه به شرح ذیل می‌باشد:

هر چند در تمامی روستاها در تعداد شاغلین بخش کشاورزی کاهش مشاهده می‌شود، لیکن میزان این کاهش در روستای هروی بسیار قابل توجه می‌باشد، به گونه‌ای که تعداد شاغلین از ۴۳/۲ درصد به ۱۲/۵ درصد کاهش یافته است.

روستاها		بیرق		حاج عبدال		دیزج لیلی خانی		هروی		جمع کل	
نوع فعالیت		قبلی	فعلی	قبلی	فعلی	قبلی	فعلی	قبلی	فعلی	قبلی	فعلی
کشاورزی		۳۰.۰	۲۱.۴	۳۴.۹	۱۷.۴	۳۳.۱	۱۹.۴	۴۳.۲	۱۲.۵	۳۵.۰	۱۸.۱
صنعت		۴۰.۰	۴۹.۳	۱۷.۵	۲۷.۰	۲۴.۶	۲۲.۸	۱۳.۶	۲۹.۸	۲۵.۲	۳۲.۵
خدمات		۳۰.۰	۲۹.۳	۴۷.۶	۵۵.۶	۴۲.۳	۵۷.۸	۴۳.۲	۵۷.۷	۳۹.۸	۴۹.۴

ج ۱۰. مقایسه درصد تغییرات صورت گرفته در توزیع شاغلین در فعالیتهای عمده اقتصادی نسبت به شغل قبلی.

مأخذ: مطالعات میدانی

ج: محل اشتغال خانوارهای مورد مطالعه

توزیع محل اشتغال فعلی سرپرستان خانوارها

نتایج مطالعات نشان می‌دهد که شهرهای تبریز

(۲۷/۴ درصد)، شهر باسمنج (۴/۹ درصد)، اهر (۰/۵

درصد) و شهرهای سردرود و تهران (۰/۴ درصد)

به ترتیب اولویت محل اشتغال فعلی سرپرستان

خانوارهای مورد مطالعه را تشکیل می‌دهند. از مجموع

۶۶/۸ درصد شاغلین در روستا، تنها محل اشتغال ۰/۷

درصد آنها دیگر روستاها می‌باشد (جدول ۱۱).

محل اشتغال	فراوانی	درصد
تبریز	۱۱۸	۲۷.۴
روستاهای مورد مطالعه	۲۸۵	۶۶.۱
شهر باسمنج	۲۱	۴.۹
شهر اهر	۲	۰.۵
شهر سردرود	۱	۰.۲
شهر تهران	۱	۰.۲
دیگر روستاها	۳	۰.۷
جمع	۴۳۱	۱۰۰

ج ۱۱. توزیع درصد سرپرستان خانوارهای مورد

مطالعه براساس محل اشتغال فعلی.

مأخذ: مطالعات میدانی

جدول شماره ۱۲ توزیع محل اشتغال اصلی (فعلی)

سرپرستان خانوارهای مورد مطالعه در روستاها را به تفکیک نشان می‌دهد.

محل اشتغال ۱۷/۶ درصد خانوارهای روستای

بیرق را کلان شهر تبریز می‌باشد. محل اشتغال ۲/۴

درصد خانوارها شهر باسمنج و ۸۰/۰ درصد بقیه، خود

روستا است. در روستای حاج عبدال محل اشتغال ۳۴/۰

درصد خانوارها، کلانشهر تبریز و محل اشتغال ۸/۰

درصد خانوارها، شهرهای دیگر است و این میزان در

سرپرستانی که در خود روستا مشغول به کار هستند

حدود ۵۸/۰ درصد را نشان می‌دهد. در روستای دیزج

لیلی خانی محل اشتغال ۳۷/۶ درصد خانوارهای مورد

مطالعه را کلانشهر تبریز، ۳/۹ درصد را شهر اهر، ۱/۳

درصد را روستاهای دیگر و ۵۵/۹ درصد، خود روستا

می‌باشد. در روستای هروی در حالی که محل اشتغال

۶۹/۲ درصد خانوارهای مورد مطالعه خود روستا است،

۲۷/۰ درصد سرپرستان خانوارها در شهر تبریز و ۳/۸

درصد دیگر در شهر باسمنج مشغول به کار می‌باشند

(جدول شماره ۱۲).

به طوری که مشاهده شد در اغلب روستاها محل

اشتغال قابل توجهی از سرپرستان خانوارهای مورد

مطالعه را شهرها و بالاخص کلانشهر تبریز به خود

اختصاص می‌دهد. خواه ناخواه نزدیکی روستاها به شهر مزبور و نیز شهر باسمنج از عوامل تأثیرگذار در این امر به‌شمار می‌رود. به عبارت دیگر روستاهای مورد مطالعه برای این تعداد عمدتاً به‌عنوان خوابگاه و محل اقامت قلمداد می‌شود.

توزیع محل اشتغال قبلی سرپرستان خانوارها

محل اشتغال قبلی ۲۲/۵ درصد سرپرستان خانوارها را کلانشهر تبریز و ۷۱/۱ درصد را نیز خود

روستاها شامل می‌شد. درصد سرپرستانی که محل اشتغال قبلی آن‌ها را شهر باسمنج بود برابر ۴/۶ درصد را نشان می‌دهد. شهر تهران با ۰/۴ درصد و شهرهایی چون هشتگرد، بستان آباد، اندیمشک، رامسر و سردرود هر کدام با ۰/۲ درصد و در مجموع با ۱/۰ درصد محل اشتغال قبلی سرپرستان را به خود اختصاص می‌دادند. گفتنی است که ۰/۴ درصد نیز در دیگر روستاها اشتغال داشته‌اند.

هروی		دیزج لیلی خانی		حاج عبدال		بیرق		روستاها
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	محل اشتغال
-	-	-	-	-	-	۸۰.۰	۱۰۰	روستای بیرق
۲۷.۰	۲۸	۳۷.۶	۵۷	۳۴.۰	۱۷	۱۷.۶	۲۲	شهر تبریز
۳.۸	۴	۳.۹	۶	۴.۰	۲	۲.۴	۳	شهر باسمنج
-	-	-	-	۵۸.۰	۲۹	-	-	روستای حاج عبدال
-	-	-	-	۲.۰	۱	-	-	شهر سردرود
-	-	-	-	۲.۰	۱	-	-	شهر تهران
-	-	۵۵.۹	۸۵	-	-	-	-	روستای دیزج لیلی خانی
-	-	۱.۳	۲	-	-	-	-	شهر اهر
-	-	۱.۳	۲	-	-	-	-	روستاهای دیگر
۶۹.۲	۷۲	-	-	-	-	-	-	روستای هروی

ج ۱۲. توزیع درصد سرپرستان خانوارهای مورد مطالعه براساس محل اشتغال فعلی به تفکیک روستاها.

مأخذ: مطالعات میدانی

محل اشتغال	فراوانی	درصد
کلانشهر تبریز	۱۱۳	۲۲.۵
روستاهای مورد مطالعه	۳۵۸	۷۱.۱
شهر باسمنج	۲۳	۴.۶
شهر تهران	۲	۰.۴
شهر بستان آباد	۱	۰.۲
شهر هشتگرد	۱	۰.۲
شهر اندیمشک	۱	۰.۲
شهر رامسر	۱	۰.۲
شهر سردرود	۱	۰.۲
دیگر روستاها	۲	۰.۴
جمع	۵۰۳	۱۰۰

ج ۱۳. توزیع درصد سرپرستان خانوارها براساس محل اشتغال قبلی.

مأخذ: مطالعات میدانی

در روستای دیزج لیلی خانی ۲۷/۴ درصد سرپرستان خانوارها در شهر تبریز و ۶۵/۱ درصد نیز در خود روستا مشغول به کار بوده‌اند. این میزان در شهر باسمنج برابر ۵/۱ درصد و در شهرهایی چون تهران، هشتگرد، بستان آباد و اندیمشک هر کدام ۰/۶ درصد و در مجموع ۲/۴ درصد را شامل می‌شد و در روستای هروی نیز محل اشتغال قبلی ۲۴/۰ درصد سرپرستان خانوارها را شهر تبریز تشکیل داده است. این میزان در شهرهای باسمنج و رامسر به ترتیب ۲/۴ و ۰/۸ درصد را شامل می‌شد. بقیه سرپرستان خانوارها (۷۲/۸ درصد) در خود روستا مشغول به کار بوده‌اند (جدول شماره ۱۴).

جدول ۱۴ توزیع محل اشتغال قبلی سرپرستان خانوارها را به تفکیک روستاها نشان می‌دهد. در روستای بیرق به ترتیب محل اشتغال قبلی ۱۳/۶ و ۴/۳ درصد خانوارهای مورد مطالعه شهرهای تبریز و باسمنج بوده است. بقیه سرپرستان نیز (۸۲/۱ درصد) در خود روستا مشغول به کار بوده‌اند. در روستای حاج عبدال محل اشتغال قبلی ۲۵/۴ درصد خانوارها شهر تبریز و ۶۰/۳ درصد نیز در خود روستا بوده است. شهرهایی چون باسمنج، تهران و سردرود به ترتیب با ۶/۹، ۱/۷ و ۱/۶ درصد دیگر شهرهای محل اشتغال سرپرستان مورد مطالعه بوده است. همچنین ۳/۲ درصد سرپرستان نیز در دیگر روستاها مشغول به کار بوده‌اند.

روستاها		بیرق		حاج عبدال		دیزج لیلی خانی		هروی	
محل اشتغال		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
روستای بیرق		۸۲.۱	۱۱۵	-	-	-	-	-	-
شهر تبریز		۱۳.۶	۱۹	۲۵.۴	۱۶	۲۷.۴	۴۸	۲۴.۰	۳۰
شهر باسمنج		۴.۳	۶	۷.۹	۵	۵.۱	۹	۲.۴	۳
روستای حاج عبدال		-	-	۶۰.۳	۳۸	-	-	-	-
شهر سردرود		-	-	۱.۶	۱	-	-	-	-
شهر تهران		-	-	۱.۶	۱	۰.۶	۱	-	-
روستای دیزج لیلی خانی		-	-	-	-	۲۷.۴	۴۸	-	-
شهر اهر		-	-	-	-	-	-	-	-
شهر هشتگرد		-	-	-	-	۰.۶	۱	-	-
شهر بستان آباد		-	-	-	-	-	-	-	-
شهر اندیمشک		-	-	-	-	۰.۶	۱	-	-
شهر رامسر		-	-	-	-	-	-	۰.۸	۱
روستاها دیگر		-	-	۳.۲	۲	-	-	-	-
روستای هروی		-	-	-	-	-	-	۷۲.۸	۹۱

ج ۱۴. توزیع درصد سرپرستان خانوارهای مورد مطالعه براساس محل اشتغال قبلی به تفکیک روستاها.

مأخذ: مطالعات میدانی

به طور کلی با دقت در داده‌ها می‌توان دریافت که تعدادی از سرپرستان خانوارهای مورد مطالعه محل اشتغال خود را از روستا به شهر تبریز تغییر داده‌اند. به گونه‌ای که محل اشتغال حدود ۵ درصد خانوارهایی که قبلاً در روستاهای خود مشغول به کار بوده‌اند، به شهر تبریز تغییر پیدا کرده است. این مورد در خصوص شهر باسمنج نیز صدق می‌کند (۰/۳ درصد). به عبارت دیگر حدود ۵/۳ درصد سرپرستان محل اشتغال خود را از روستا به دو شهر مزبور تغییر داده‌اند. علاوه بر این محل اشتغال ۰/۹ درصد خانوارهای مورد مطالعه به دیگر شهرها تغییر پیدا کرده است. گفتنی است ۰/۳ درصد خانوارهایی که محل اشتغال قبلی آن‌ها را دیگر روستاها تشکیل می‌داد به روستاهای مورد مطالعه تغییر مکان داده‌اند (جدول شماره ۱۵).

محل اشتغال	درصد	
	قبلی	فعلی
کلانشهر تبریز	۲۲.۵	۲۷.۴
روستاهای مورد مطالعه	۷۱.۱	۶۶.۱
شهر باسمنج	۴.۶	۴.۹
دیگر شهرها	۱.۸	۰.۹
دیگر روستاها	۰.۴	۰.۷
جمع	۱۰۰	۱۰۰

ج ۱۵. مقایسه درصد تغییرات صورت گرفته در محل

اشتغال سرپرستان خانوارهای مورد مطالعه.

مأخذ: مطالعات میدانی

یافته‌های تحلیلی و نتیجه‌گیری

در این بخش روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته مورد آزمون قرار گرفته و نتایج به صورت تحلیلی ارائه می‌شود. لازم به ذکر است جهت پاسخگویی به سؤالات و پی بردن به وجود رابطه بین متغیرها با توجه

به سطح سنجش و اندازه‌گیری متغیرها از دستوره‌های مناسب در نرم افزار spss ۱۶ استفاده شده است. با توجه به سطوح اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق حاضر، آزمون‌های آماری کای اسکویر (chi-square) و ضرایب همبستگی خی دو (Q) و V کرایمر وابسته به آزمون کای اسکویر برای تحلیل آماری مناسب بوده و در مورد برخی از متغیرها از آزمون تفاوت میانگین (T-Test) استفاده شده است. نتایج حاصل براساس آزمون‌های فوق‌الشاره به شرح زیر می‌باشد:

در خصوص بررسی سؤال اول که "آیا مهاجرپذیری نقش عمده‌ای در تغییرات کارکردی روستاها ایفا می‌کند؟" جهت آزمون وجود رابطه بین دو متغیر مهاجرپذیری و نقش آن در تغییرات کارکردی روستاها، با توجه به سطح سنجش متغیرها که در سطح اسمی دو حالته، می‌باشد از آزمون کای اسکویر استفاده شده که نتایج به دست آمده به شرح زیر می‌باشد:

(chi-square=3/7 sig=0/000 v=0/645)

چنانچه یافته‌ها نشان می‌دهد سطح معناداری به دست آمده در مقایسه با آلفای مورد نظر بیانگر وجود رابطه بین مهاجرپذیری و تغییرات کارکردی روستاهاست ($\text{sig}=0/000 < \alpha=0/05$) و همچنین شدت همبستگی نشان می‌دهد که بین دو متغیر فوق همبستگی نسبتاً قوی وجود دارد (۰/۶۵). به طوری که نتایج بررسی نشان داد تعداد سرپرستانی که با هدف اقامت دائم به روستاهای مورد مطالعه مهاجرت کرده‌اند قابل توجه بوده است (۲۸/۸ درصد کل خانوارهای مورد مطالعه) و با توجه به اینکه هدف اغلب آن‌ها تأمین زمین و مسکن ارزان (۵۹/۴ درصد) و نیز انجام کار و فعالیت (۲۱/۴ درصد) در روستاها بوده است، لذا این امر تأثیر به‌سزایی در تغییر کارکردی روستاها می‌تواند داشته باشد. علاوه بر این اشتغال ۵۱/۲ درصد شاغلین در مناطق شهری بالاخص شهرهای تبریز و باسمنج، تغییر کارکردی روستاهای مورد

عبارت دیگر بالغ بر ۹۵/۰ درصد شاغلین درون کوچ در این دو بخش اقتصادی مشغول به کار می‌باشند. علاوه بر درون کوچان دائم، نتایج بررسی نشان داد که در میان سرپرستان ساکن در خانه‌های دوم سهم شاغلین در بخش خدمات در تمامی روستاهای مورد مطالعه، در مقایسه با دیگر فعالیتهای اقتصادی بیشتر می‌باشد (۷۱/۷ درصد) و عمده اشتغال آن‌ها را اموری چون کار دولتی (۳۳/۵ درصد) و تجارت و مغازه‌داری (۲۱/۵ درصد) تشکیل می‌دهد. گفتنی است ۱۶/۶ درصد آن‌ها در بخش کشاورزی (عمدتاً باغداری) فعال می‌باشند و نتیجه کلی اینکه وابستگی‌های اقتصادی مهاجرین به لحاظ نوع اشتغال سبب گردیده است تا علاوه بر تغییر کارکردی روستاها از کشاورزی به کارکردهای خدماتی و صنعتی از کارکرد سکونتی - خوابگاهی نیز برخوردار گردند.

ب) آیا محل اشتغال مهاجرین در تغییرات کارکردی روستاها تأثیرگذار است؟ جهت به دست آوردن جواب این سؤال نیز با توجه به سطح اندازه‌گیری متغیرهای وضعیت اسکان و محل اشتغال فعلی و قبلی از آزمون کای اسکویر استفاده شده است. نتایج به دست آمده به شرح زیر می‌باشد:

(chi-square=210/794 sig=0/000 v=0/492)

محل اشتغال فعلی

(chi-square=234/116 sig=0/000 v=0/58)

محل اشتغال قبلی

نتایج حاصل از آزمون کای اسکویر نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین وضعیت اسکان و محل اشتغال فعلی و قبلی با تغییر کارکردی روستاها وجود دارد. شدت همبستگی بین هر دو در حد متوسط می‌باشد. تغییر کارکردی روستاها ممکن است محل اشتغال افراد را نیز تغییر دهد ($sig < a$). نزدیکی روستاهای مورد مطالعه به بزرگترین قطب جمعیتی، صنعتی و خدماتی شمالغرب کشور (شهر تبریز) نیز شهر باسمنج و ارتباط سریع و

مطالعه را به کارکردهای خدماتی، صنعتی و بالاخص سکونتی - خوابگاهی به خوبی نشان می‌دهد.

در مورد سؤال دوم که "آیا نوع و محل اشتغال سرپرستان خانوارها در تغییر کارکردی روستاها تأثیرگذار است؟" (الف) آیا نوع شغل مهاجرین در تغییرات کارکردی روستاها تأثیرگذار است؟" با توجه به سطح اندازه‌گیری متغیرها (وضعیت اسکان و نوع شغل فعلی و قبلی) که اسمی چندحالتی می‌باشد، از آزمون کای اسکویر استفاده شده است. نتایج به دست آمده به شرح زیر می‌باشد:

(chi-square=199/527 sig=0/000 v=0/479)

شغل فعلی

(chi-square=230/473 sig=0/000 v=0/514)

شغل قبلی

چنانچه نتایج حاصله در فوق نشان می‌دهد با توجه به سطح معنا داری به دست آمده که کوچکتر از آلفای مورد نظر است، رابطه معنا داری بین نوع شغل فعلی و قبلی مهاجرین با تغییرات کارکردی در روستاها وجود دارد. به عبارت دیگر شغل فعلی و قبلی افراد در تغییرات کارکردی روستاها اثر تعیین کننده‌ای دارد و شدت همبستگی در حد متوسط می‌باشد. نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است که با تغییرات کارکردی در روستاها شغل قبلی دستخوش تحول گردیده است. لذا با تغییرات کارکردی در روستاها ممکن است شغل قبلی افراد از بخش کشاورزی به بخش خدماتی تغییر یابد و شغل فعلی نیز می‌تواند بر تغییرات کارکردی تأثیر داشته باشد.

نتایج حاصل از مطالعات نشان داد که همانند ساکنان بومی روستاها، درون کوچان دائم نیز به لحاظ نوع شغل وابستگی شدیدی به شهرهای فوق‌الاشاره دارند به طوری که ۵۱/۲ درصد درون کوچان شاغل در بخش خدمات (عمدتاً رانندگی و کارگری) و ۴۴/۲ درصد نیز در بخش صنعت مشغول به کار می‌باشند. به

آسان روستاها به این شهرها سبب گردیده است تا ساختار اقتصادی روستاها تأثیرپذیری زیادی از شهرهای مزبور داشته باشد. نتایج حاصل از مطالعات نشان می‌دهد که همانند ساکنان بومی روستاها، درون کوچان دائم نیز به لحاظ محل اشتغال وابستگی شدیدی به شهرهای فوق‌الاشاره دارند. به گونه‌ای که محل اشتغال ۶۳/۱ درصد سرپرستان شاغل درون کوچ را کلانشهر تبریز و ۱۶/۳ درصد را نیز شهر باسمنج تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر محل اشتغال حدود ۸۰/۰ درصد شاغلین به دو شهر مزبور اختصاص دارد. این امر حاکی از برخورداری روستاها از کارکردهای خدماتی، صنعتی و خوابگاهی روستاها دارد.

با بررسی عوامل و پدیده‌های تأثیرگذار بر تغییرات کارکردی روستاها که قبلاً به صورت توصیفی و تحلیلی تشریح گردید، می‌توان چنین نتیجه گرفت که در کل، تأثیرات متقابل فضایی و روابط عملکردی بین کلانشهر تبریز با روستاهای مورد مطالعه، به مرور منجر به تغییرات کارکردی در روستاهای مورد مطالعه به‌ویژه در روستاهای هروی، دیزج لیلی خانی و حاج عبدال گردیده است.

از جمله تغییرات مهمی که عمدتاً متأثر از شهر تبریز بوده و در دهه‌های اخیر از رونق فراوانی برخوردار گردیده است، همانا تغییرات کارکردی منبعث از درون کوچی در برخی از روستاهای مورد مطالعه است. این ارتباط متقابل، تأثیرات قابل توجه مثبت و یا منفی متعددی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی کالبدی داشته است. به‌عنوان مثال به طوری که قبلاً نیز توضیح داده شد، شهر تبریز ضمن اینکه با ایجاد فرصت‌های شغلی و ارائه خدمات به روستائیان نقش مثبتی را ایفا کرده است (محل اشتغال ۲۷/۴ درصد شاغلین روستاها را کلانشهر تبریز تشکیل می‌دهد) در مقابل هجوم مردم شهرنشین به روستاها به دلایلی چون

بهره‌گیری از زمین و واحدهای مسکونی ارزان قیمت (۵۹/۴ درصد) منجر به از میان رفتن زمین‌های زراعی، فضای سبز و بالاخص نابودی باغات و به تبع آن سبب تغییرات و دگرگونی‌های بس قابل توجهی در کاربری اراضی آن‌ها گردیده است. به‌طور کلی علاوه بر درون کوچی که به تدریج کارکرد روستاها را از دیگر کارکردها و به‌ویژه کشاورزی به کارکردهایی چون خدماتی، کارگاهی - صنعتی تبدیل کرده است، قرارگیری شهرهای تبریز و باسمنج در نزدیکی روستاهای مورد مطالعه و اشتغال درصد قابل توجهی از ساکنان روستاها در شهرهای مزبور، خواه ناخواه آن‌ها را از کارکرد سکونتی - خوابگاهی نیز برخوردار کرده است.

چنانکه ارقام نیز نشان می‌دهند تغییر نوع فعالیت اقتصادی از بخش کشاورزی به صنعت و بالاخص خدمات در تمامی روستاها از جمله تغییرات کارکردی روستاهای مورد مطالعه به گونه‌ای که تعداد شاغلین در بخش کشاورزی از ۳۵/۰ درصد به ۱۸/۱ درصد کاهش یافته است. در مقابل شاغلین در بخش کشاورزی در بخش‌های صنعت و خدمات به ترتیب ۲۵/۲ و ۳۹/۸ و ۳۲/۵ به ۴۹/۴ درصد افزایش یافته است.

به‌طور کلی نزدیکی روستاهای مورد مطالعه به بزرگترین قطب جمعیتی، صنعتی و خدماتی شمال غرب کشور (شهر تبریز) و نیز شهر باسمنج و ارتباط سریع و آسان روستاها به این شهرها سبب گردیده است، تا تأثیرپذیری زیادی از شهرهای مزبور داشته باشند.

راهکارها و پیشنهادها

- ایجاد یک سیستم مؤثر و کارای مدیریتی در جهت رفع آشفتگی کاربری اراضی و نظارت بر اجرای صحیح قوانین و مقررات مربوط به کاربری زمین.
- ضمن تعیین حدود و ثغور توسعه کالبدی روستا، جهت تأمین واحدهای مسکونی مورد نیاز روستائیان و یا

- صدرموسوی، میرستار. ۱۳۸۲، سیاستهای توسعه و اشتغال در مناطق روستایی کشورهای در حال توسعه. فضای جغرافیایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر، سال سوم، شماره ۱۰.

- فرید، یداله. ۱۳۷۹، شناخت شناسی و مبانی جغرافیای انسانی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرند.

- مهدوی حاجیلویی، م؛ مجتبی قدری، م؛ سنایی، م. ۱۳۷۸، نقش و تأثیر خانه‌های دوم بر ساختار اقتصادی، اجتماعی ناحیه کلاردشت. پژوهشهای جغرافیایی، شماره ۶۵، دانشگاه تهران.

- نظریان، اصغر. ۱۳۷۰، گسترش فضایی شهر تهران و پیدایش شهرک‌های اقماری. تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱.

-Berry, B.J.L. The Counterurbanization Process: Urban America Since 1970, (1979), In B., J., L, B erry (ed), Urbanisation and Counterurbanization, Sage Publication, Beverly Hills: 17-30.

-Bonnamour. J. Geographic rural Metodes et perspectives du geographie applicable, (1973). M asson Paris, p-25.

- Glass. R, Urban Sociology, in Welford. A.T. et al(eds), Society: Problems and methods of Study, (1962), London. P.487.

- Pacion, M. Rural Geography, Happer and Row Publishers.

- Tumertacin, E, Ozguc, N. beseri Geography (insane, Kultur, nekan), (2004), Cantary. Yay.

- Hall. C.M, and Page, S.J. The Geography of Tourism and creation, (2002) Routledge, Second edition, p-339.

محل استقرار فعالیت‌های مختلف، تأکید بر استفاده مطلوب از اراضی و مکانیابی بهینه آن‌ها در طرح‌های هادی روستایی به عنوان سند توسعه روستایی.

- دخالت دولت در بازار زمین به منظور جلوگیری از تخریب و انهدام زمینهای زراعی و باغی و محیط زیست.

- آموزش و ارتقای سطح آگاهی شهروندان و روستاییان در جهت توجه به عواقب تغییرات کاربری اراضی مستعد کشاورزی به کاربریهای دیگر.

- ایجاد هماهنگی بین ارگانهای دولتی مرتبط با زمین و برخورد قاطع با متخلفین در جهت حفظ مزارع، باغات و جلوگیری از بورس بازی زمین.

فهرست منابع

- افراخته، حسین. ۱۳۸۴، تجارت فرامرزی، سیطره شهری و تغییر کارکرد روستایی نمونه موردی: ناحیه روستایی زاهدان.

جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره چهارم، بهار و تابستان

- تودارو، م. ۱۳۸۷، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه‌ی فرجادی، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، انتشارات بازتاب.

- رهنمایی، محمدتقی. ۱۳۶۹، توسعه تهران و دگرگونی در ساختارهای نواحی روستایی اطراف. تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۶.

- رضوانی، محمدرضا. ۱۳۸۲، تحلیل روند ایجاد گسترش خانه‌های دوم در نواحی روستایی شمال تهران. پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۹، دانشگاه تهران.

- رضوانی، محمدرضا. ۱۳۸۱، شهرگرایی و تغییرات کارکردی در نواحی روستایی شمال تهران. پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۵، دانشگاه تهران.

- سلیمانی، مجید. ۱۳۸۱، دگرگونی روستاهای حاشیه شهرهای صنعتی. تحقیقات جغرافیایی، شماره‌های ۶۶-۶۵.

- شکویی، حسین. ۱۳۷۹، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری. سمت، تهران.